



## بازنمایی ظرفیت

راحله گندمکار<sup>۱</sup>

بیش از ۴۰ سال از انتشار مقاله فیلمور (۱۹۶۸) با نام *The Case for Case* می‌گذرد. این اثر نخستین نوشته در چهارچوب رویکرد زایشی بود که می‌کوشید به بررسی بازنمایی صرفی - نحوی ظرفیت‌های فعل بر مبنای مختصه‌های معنایی مرتبط بپردازد. در کتاب *بازنمایی ظرفیت*<sup>۱</sup> سعی بر آن است تا بخش اعظم مطالب مطرح شده در آن مقاله مورد ارزیابی قرار گیرد و معلوم شود که از آن زمان تا کنون، تا چه حد میزان درک ما نسبت به مسئله بازنمایی ظرفیت فعل تغییر کرده است. این کتاب در سال ۲۰۰۵ به همت ب. لوین<sup>۲</sup> و م. راپاپورت هووا<sup>۳</sup> به رشته تحریر درآمده و انتشارات دانشگاه کمبریج آن را به چاپ رسانده است. نوشته مورد نظر به بررسی نظریه‌های مطرح کنونی در باب رابطه بین افعال و ظرفیت‌های آن‌ها می‌پردازد و هدف‌اش به دست دادن نگرشی کلی و جامع از نتایج پژوهش‌های انجام شده در مورد «بازنمایی ظرفیت» و پاسخگویی به پرسش‌هایی است که همچنان مطرح‌اند و جای بحث دارند. در واقع، نوشته مورد نظر به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که چطور معنی‌شناسی فعل می‌تواند تعیین کننده بازنمایی صرفی - نحوی ظرفیت‌های فعل باشد. به این ترتیب، رابطه بسیار نزدیکی بین معنی فعل و ساخت نحوی‌اش برقرار می‌شود که از رهگذر آن می‌توان به ارتباط میان معنی‌شناسی واژگانی و پژوهش نحوبنیاد پی برد. نویسندگان این کتاب کانون توجه‌شان را بر مسایل مرتبط با بازنمایی ظرفیت افعال، یعنی نقش‌های معنایی، بازنمایی معنی واژگانی، مفهوم‌سازی رخدادها<sup>۴</sup>، سلسله مراتب تتایی<sup>۵</sup>، و جابجایی فعل‌ها<sup>۶</sup> معطوف کرده‌اند. *بازنمایی ظرفیت* کتابی است که در حوزه زبان‌شناسی به رشته تحریر درآمده و نویسندگان مسایل مورد بحث را به لحاظ نحوی و معنی‌شناختی مورد مطالعه و بررسی قرار

<sup>۱</sup> . *Argument Realization*

<sup>۲</sup> . B. Levin

<sup>۳</sup> . M. Rappaport Hovav

<sup>۴</sup> . conceptualizations of events

<sup>۵</sup> . thematic hierarchies

<sup>۶</sup> . verb alternations

داده‌اند. البته مطالب ارائه شده در این کتاب به گونه‌ای است که پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی رایانشی نیز می‌توانند از آن بهره ببرند. لازم به ذکر است که لوین پیش‌تر در کتاب‌اش به نام *طبقات و جابجایی- های افعال انگلیسی: بررسی مقدماتی*<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) به بررسی ۳۰۰۰ فعل انگلیسی بر اساس معنی و رفتار نحوی‌شان پرداخته بود. فرضیه او مبنی بر این بود که معنی فعل بر رفتار نحوی‌اش تأثیر می‌گذارد و به این ترتیب، ابزار مناسبی را برای مطالعه واژگان افعال انگلیسی به دست می‌دهد. *بازنمایی ظرفیت* در قالب ۸ فصل به دست داده شده، اما در مجموع می‌توان به سه بخش کلی قایل شد. بخش نخست به طرح نظریه‌های متداول در باب نقش‌های معنایی، بازنمایی معنی واژگانی، و ساخت رخدادها اختصاص می‌یابد. بخش دوم به انطباق معنی‌شناسی واژگانی با نحو و سلسله مراتب تتایی در بازنمایی ظرفیت مربوط می‌شود و بخش نهایی به ارزیابی دیدگاه‌های مرتبط با بازنمایی ظرفیت چندگانه می‌پردازد. افزون بر این، نویسندگان می‌کوشند تا غنا و پیچیدگی پدیده‌هایی را به تصویر بکشند که همگی تحت عنوان کلی «بازنمایی ظرفیت» قابل طرح‌اند. به عقیده لوین و راپاپورت هوو، یک نظریه کامل و جامع در باب بازنمایی ظرفیت باید پاسخگوی ۵ پرسش اصلی باشد؛ نخست این که، چه جنبه‌هایی از معنی افعال برای انطباق معنی‌شناسی واژگانی با نحو باید مدنظر قرار گیرند؟ دوم این که، ماهیت بازنمایی معنی واژگانی چیست؟ به عبارت دیگر، مبانی اصلی و بنیادین این بازنمایی و اصول لازم برای ترکیب این مبانی به منظور بازنمایی معنی فعل چه می‌تواند باشد؟ سوم این که، ماهیت الگوریتمی که عبارت‌های نحوی ظرفیت‌ها را به دست می‌دهد چیست؟ پرسش چهارم این که، عوامل غیرمعنایی نظیر ساخت اطلاع و سنگینی<sup>۲</sup> تا چه حد بر بازنمایی ظرفیت تأثیر می‌گذارند؟ و در نهایت این که، تا چه حد می‌توان نشان داد که اصول معنایی تعیین‌کننده بازنمایی ظرفیت فعل، واژگانی و تا چه حد غیرواژگانی‌اند؟ به این ترتیب، کل مطالب کتاب به مقایسه نظریه‌های مختلفی می‌پردازد که این موضوعات را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. باید توجه داشت که این مباحث به این دلیل برای طرح نظریه زبانی حائز اهمیت‌اند که بر مبانی بسیاری از نظریه‌های کنونی، بازنمایی نحوی موضوعات فعل با توجه به معنی آن فعل قابل پیش‌بینی است. به طور خلاصه می‌توان گفت، نویسندگان این کتاب در پی آنند تا بین معنی فعل و ساخت نحوی از یک سو و پژوهش‌های معنی‌شناختی واژگانی در باب معانی افعال از سوی دیگر رابطه برقرار کنند. هر چند که اینان به دنبال ارائه نظریه‌ای زبانی نیستند، اما با طرح نتایج تحقیقات متعدد بر مبانی نظریات مختلف، ملاحظاتی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند که باید در ارائه نظریه زبانی مد نظر قرار گیرند.

فصل نخست، تصویر مطلوبی از نظریه‌های زبانی و دیدگاه‌های متفاوت‌شان در تبیین شباهت‌های نحوی موجود در زبان را به دست می‌دهد. نویسندگان به دنبال یافتن ماهیت بازنمایی معنی واژگانی‌اند، آن هم به گونه‌ای که بتواند بنیانی برای نظریه‌ای در باب بازنمایی ظرفیت باشد. در این فصل، روش‌های

1. *English Verb Classes and Alternations: A Preliminary Investigation*

2. heaviness

تفکیک عناصر معنایی افعال مورد بررسی قرار می‌گیرد و بحث بر سر این موضوع است که این عناصر معنایی نمی‌توانند به تنهایی و به صورت مجزا رفتار نحوی فعل را تبیین کنند. در مجموع، در فصل نخست تمرکز اصلی بر مشکلات و مسائلی معطوف است که از شکل‌گیری نظریه‌ای برای بازنمایی ظرفیت و رابطه‌اش با بازنمایی معنی واژگانی حاصل می‌شود.

فصل دوم با ارائه فهرستی از نقش‌های معنایی و ارزیابی ویژگی‌های این نقش‌ها و ویژگی مشترک رویکردهای مطرح در این مورد آغاز می‌شود. این فهرست شامل همان نقش‌هایی است که در مقاله فیلمور ارائه شده بود، یعنی «کنشگر»<sup>۱</sup>، «ضد کنشگر»<sup>۲</sup>، «مفعول»<sup>۳</sup>، «نتیجه»<sup>۴</sup>، «ابزار»<sup>۵</sup>، «منبع»<sup>۶</sup>، «هدف»<sup>۷</sup> و «تجربه‌گر»<sup>۸</sup>. البته به اعتقاد لوین و راپاپورت هوووا، دو نقش «ضد کنشگر» و «نتیجه» کاربرد آنچنانی ندارند و نقش «نتیجه» را می‌توان در قالب نقش «مفعول» یا آنچه امروزه «کنش‌پذیر»<sup>۹</sup> می‌نامیم نیز جای داد. در این بخش، بحث بر سر محدودیت‌های معنایی بازنمایی فهرست نقش‌های معنایی است، و به ویژه به مشکلات تعیین مبنایی مناسب برای تعریف نقش‌های معنایی، مشکل عدم وجود ساختاری درونی در مدخل نقش معنایی، و مشکل ارائه نمونه‌ای از هر نقش در یک بند اختصاص دارد. البته با وجود این محدودیت‌ها، لوین و راپاپورت هوووا هنوز هم بر این مطلب تأکید می‌کنند که نقش‌های معنایی می‌توانند بنیان مناسبی برای بازنمایی معنی واژگانی به حساب آیند. علاوه بر این، در فصل ۲، شاهد نتایج حاصل از تلاش‌های پیشین به منظور حل مشکلات و محدودیت‌هایی هستیم که بر سر راه تعیین بنیان نظریه مورد نظرمان قرار دارند. برای فایق آمدن بر این مشکلات، نقش‌های معنایی به مشخصه‌های دوتایی تجزیه می‌شوند تا ظرفیت‌های افعال بتوانند بیش از یک نقش معنایی را دربر گیرند. برای نمونه، می‌توان به جمله Phil sold the yacht to Mira [= فیل قایق را به میرا فروخت]. اشاره کرد که در آن Phil به طور همزمان از دو نقش معنایی «منبع» و «کنشگر» برخوردار است.

فصل سوم، رویکردهای متداول به بازنمایی معنی واژگانی را معرفی می‌کند. در این بخش، رویکرد داوتی<sup>۹</sup> (۱۹۹۱) در باب نقش‌های اعلا<sup>۱۰</sup> و برخی از محدودیت‌های این رویکرد به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، این نگرش با دیدگاه اشلسینگر<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۵) مقایسه شده و بر امتیازات رویکرد نمونه اعلا تأکید می‌شود و در گام بعد، رویکردهای دیگری که با تأثیرپذیری از نگرش داوتی ارائه شده‌اند، به

- 1 . agent
- 2 . counter-agent
- 3 . result
- 4 . instrument
- 5 . source
- 6 . goal
- 7 . experiencer
- 8 . patient
- 9 . Dowty
- 10 . Proto-roles
- 11 . Schlesinger

تفصیل مورد بحث قرار داده می‌شود. افزون بر این، نویسندگان، دیدگاه ون ولین (۱۹۹۰) با عنوان «نقش‌های معنایی عمومی‌شده»<sup>۱</sup> را نیز معرفی می‌کنند. در چهارچوب رویکرد ون ولین، دو نقش عمده معنایی عبارتند از «عملگر»<sup>۲</sup> و «عمل‌پذیر»<sup>۳</sup> که در جملات بیشتر در جایگاه فاعل و مفعول ظاهر می‌شوند و می‌توانند در قالب نقش‌های معنایی عمومی‌شده‌ای نظیر «کنشگر»، «تجربه‌پذیر»، «کنش‌پذیر»، و «مکان»<sup>۴</sup> ظاهر شوند. نویسندگان در بخش دوم این فصل پیشنهاد می‌کنند که ساخت‌های بیشتری از طریق «تجزیه گزاره»<sup>۵</sup> به بازنمایی معنی واژگانی افزوده شود. در واقع، «تجزیه گزاره» به مثابه شکل دیگری از بازنمایی معنی واژگانی معرفی می‌شود. در تجزیه گزاره، معنی فعل در قالب برخی از عناصر دستوری بنیادین معنی بازنمایی می‌شود. این بازنمایی‌ها، «ساخت رخداد»<sup>۶</sup> نام دارند، آن هم به این دلیل که آن‌ها انواع رخدادهای زبانی را بازنمایی می‌کنند. به اعتقاد لوین و راپاپورت هوو، تجزیه گزاره برای بازنمایی نقش‌های معنایی به چند دلیل از اهمیت برخوردار است؛ اولاً تجزیه گزاره باعث می‌شود بین ریشه و بخش ساخت رخداد فعل تمایز قایل شویم؛ به عنوان مثال، نمونه زیر را در نظر بگیرید:

a. externally caused state → [[ X ACT] CAUSE [y BECOME <STATE>]]

b. dry: [[X ACT] CAUSE [y BECOME <DRY>]]

a نشان‌دهنده نمای کلی ساخت رخداد و ریشه فعل است که در سمت راست پیکان نمایان شده است. در واقع، ریشه بین علامت‌های < > قرار گرفته و در مثال b نمونه عینی آن قابل مشاهده است.

ثانیاً این کار بین ظرفیت‌هایی رابطه برقرار می‌کند که نشان می‌دهند چرا برخی ظرفیت‌های خاص با هم ایجاد می‌شوند و ثالثاً چنین تجزیه‌ای امکان بازنمایی رخدادهای زیرمجموعه را هم فراهم می‌آورد. فصل چهارم به بررسی سه رویکرد مرتبط با مفهوم‌سازی، یعنی رویکرد موقعیت‌گرا<sup>۷</sup>، رویکرد نمودی<sup>۸</sup>، و رویکرد سببی<sup>۹</sup> می‌پردازد و نکات مثبت این رویکردها را در بازنمایی ظرفیت مورد بحث قرار می‌دهد. این رویکردها از جنبه‌های مختلفی با هم تفاوت دارند؛ این که آیا در این دیدگاه‌ها رخدادها با توجه به حرکت و موقعیت، با توجه به ساخت سببی، و ساخت نمودی‌شان مفهوم‌سازی می‌شوند یا نه، عامل اصلی تفاوت آنهاست و با در نظر گرفتن این مسئله، برای بازنمایی ظرفیت، هر یک از این رویکردها دیدگاه شناختی خاصی را در ارتباط با رخدادها مدنظر قرار می‌دهند. نخستین رویکرد، رویکرد موقعیت‌گراست که از سوی گروبر (۱۹۶۵) معرفی شده و جکندوف (۱۹۹۰) آن را بسط داده است. در

- 1 . generalized semantic roles
- 2 . actor
- 3 . undergoer
- 4 . location
- 5 . predicate decomposition
- 6 . event structure
- 7 . localist approach
- 8 . aspectual approach
- 9 . causal approach

رویکرد موقعیت‌گرا فرض بر این است که دو نوع رخداد حرکتی و رخداد موقعیتی قابل طرح است که هر یک به طور جداگانه از مجموعه‌ای شرکت‌کننده<sup>۱</sup> برخوردارند. برای نمونه، رخداد موقعیتی، یک «چیز»<sup>۲</sup> و یک «موقعیت» را دربرمی‌گیرد، نظیر آنچه در جمله انگلیسی *The vase sat on the shelf* مشاهده می‌شود و رخداد حرکتی شامل یک «چیز» و «مسیری» می‌شود که آن «چیز» طی می‌کند، مانند آنچه در جمله *The truck went from the warehouse to the store* قابل ملاحظه است. آنچه حرکت می‌کند یا در موقعیت خاصی قرار گرفته، «کنش‌پذیر»<sup>۳</sup> نامیده می‌شود. به این ترتیب، هر رخدادی باید از یک کنش‌پذیر برخوردار باشد. بر مبنای این رویکرد، رخداد‌های در بردارنده حرکت و موقعیت، بهتر و سریع‌تر درک می‌شوند و تمام افعال را می‌توان در قالب فعل‌های حرکتی یا موقعیتی تاویل کرد. به اعتقاد جکندوف، حتی افعالی که به روشنی نشان دهنده حرکت یا موقعیت نیستند نیز می‌توانند به مثابه افعالی در نظر گرفته شوند که حرکت یا موقعیت چیزی انتزاعی را به تصویر می‌کشند. چنین به نظر می‌رسد که این رویکرد نمی‌تواند معیار مناسبی را برای تعیین نقش‌های خاص ظرفیت‌ها به دست دهد. رویکرد دوم که رویکرد نمودی است، در آثار زبان‌شناسان متعددی معرفی شده و مورد بحث قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به باخ<sup>۴</sup> (۱۹۸۱ و ۱۹۸۶) و داوتی (۱۹۷۹) اشاره کرد، اما معروف‌ترین نظام طبقه‌بندی نمودی واژگانی که در چهل سال اخیر اساس بسیاری از مطالعات زبان‌شناختی قرار گرفته از سوی زنو وندلر<sup>۵</sup> (۱۹۵۷) به دست داده شده است. در این رویکرد، بازنمایی ظرفیت بر مبنای ویژگی‌های خاص گزاره‌هایی صورت می‌گیرد که توصیف‌کننده رخداد‌هایند. ویژگی‌های نمودی در انتخاب عناصر گذرایی و بازنمایی ظرفیت، به ویژه در انتخاب و بیان مفعول مستقیم راهگشایند. دستوریانی که در مطالعات مربوط به بازنمایی ظرفیت به ویژگی‌های نمودی توجه می‌کنند، گاه مختصه‌های نمودی و غیرنمودی را با هم خلط می‌کنند و برخی از معنی‌شناسانی که «نمود» را مورد توجه قرار می‌دهند، از تمام مباحث و موارد مطرح در بازنمایی صرفی - نحوی ظرفیت آگاه نیستند، به همین دلیل است که در فصل حاضر، به بحث در این باب پرداخته شده است. بر اساس رویکرد سوم یعنی رویکرد سببی، رخدادها به مثابه زنجیره‌های سببی شکل می‌گیرند؛ مجموعه‌هایی از واحدهایی که شرکت‌کنندگان در یک رخداد را به هم ربط می‌دهد. اکثر رویکردهای سببی بر مبنای اثر تالمی در باب سببی‌سازی (۱۹۷۸، ۱۹۸۸) ارائه شده‌اند. بخش اعظم تحلیل‌های دقیق مفاهیم سببی و نتایج دستوری حاصل از آن‌ها همان مواردی‌اند که در چهارچوب رویکردهای شناختی و نقش‌گرا ارائه شده‌اند. در این فصل دو رویکرد نمودی و سببی با هم مقایسه شده و بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، آن‌هم به این دلیل که این دو رویکرد سهم قابل توجهی در درک بازنمایی ظرفیت دارند. به اعتقاد نویسندگان، نمی‌توان تنها یک عامل معنایی منفرد را که در

1 . participants

2 . thing

3 . theme

4 . Bach

5 . Zeno Vendler

انتخاب فاعل یا مفعول تعیین کننده است شناسایی کرد و از این طریق به تأثیر نسبی ویژگی‌های سببی و نمودی مورد نظر دست یافت. آنچه از مباحث مطرح در این فصل می‌توان به دست داد این است که چهار نوع عامل معنایی مهم، یعنی مفاهیم سببی، مفاهیم نمودی، پیچیدگی رخداد، و مفاهیمی از قبیل ادراک<sup>۱</sup>، جاندار، و قصد و منظور<sup>۲</sup> در بازنمایی ظرفیت نقش ایفا می‌کنند.

در فصل پنجم، نویسندگان به فرضیات موجود در باب ماهیت انطباق معنی‌شناسی واژگانی با نحو می‌پردازند. بر اساس این فرضیات، جنبه‌های خاصی از بازنمایی واژگانی، مانند طبقات موازی که در بازنمایی مشخص می‌شوند و روابط مهم میان ظرفیت‌ها باید در نحو حفظ شوند. در واقع، بر این فرض تأکید می‌شود که بین بازنمایی معنایی واژگانی فعل و بازنمایی نحوی ظرفیت‌های آن فعل رابطه‌ای وجود دارد. بخش آخر این فصل به بحث در مورد دو طبقه از الگوریتم‌های انطباق بازنمایی معنی واژگانی با نحو، یعنی الگوریتم سلسله مراتبی و دوسویه اختصاص یافته است. این دو نوع الگوریتم انطباق و طبقه‌بندی نقش‌های معنایی در سلسله مراتب تتایی متقابلاً وابسته به هم‌اند و شکل‌گیری الگوریتم انطباق به نظریه نحوی‌ای وابسته است که مبنای بررسی قرار می‌گیرد.

لوین و راپپورت هوووا در فصل ششم به تحلیل مباحث مربوط به سلسله مراتب تتایی می‌پردازند و نمونه‌هایی از این سلسله مراتب را نشان می‌دهند. در واقع، در این فصل به کاربرد ساختاری نظری یعنی سلسله مراتب نقش‌های معنایی یا سلسله مراتب تتایی پرداخته می‌شود، آن هم به این دلیل که سلسله مراتب تتایی صورت‌بندی الگوریتم انطباق را تسهیل می‌کند. بحث بر سر این مطلب است که سازمان‌بندی‌های مختلف سلسله مراتب تتایی تنها زمانی می‌توانند مورد مقایسه قرار گیرند که اولاً طبقه‌بندی‌های نقش‌ها به یک شکل تعبیر شوند و ثانیاً این طبقه‌بندی‌ها پدیده‌های یکسانی را تبیین کنند. صورت‌بندی‌های متعددی برای سلسله مراتب تتایی از سوی بیکر (۱۹۹۶) و مک فارلند<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) به دست داده شده‌اند. اختلاف نظر این دو در مورد جایگاه نقش کنش‌پذیر با توجه به سایر نقش‌ها به ویژه نقش‌های فضایی‌ای مانند هدف و موقعیت است. نتیجه‌گیری پایانی این فصل مبنی بر این است که هر چند تمامی سلسله مراتب‌ها نمونه‌هایی از طبقه‌بندی ظرفیت‌ها به حساب می‌آیند، اما صورت‌بندی سلسله مراتبی که همه امکانات بازنمایی ظرفیت‌ها را در ارتباط با نقش‌های معنایی‌شان در برگیرد، عملاً امکان‌پذیر نیست. در واقع، به دو روش می‌توان سلسله مراتب تتایی را درک کرد؛ دو روشی که با دو شیوه درک نقش‌های معنایی در انطباق‌اند. در ادامه به این مطلب اشاره می‌شود که تغییر ظرفیت افعال نشان دهنده نمونه‌ای از پدیده بزرگ‌تری به نام بازنمایی ظرفیت چندگانه<sup>۴</sup>، یعنی قابلیت اکثر افعال در حضور در انواع بافت‌های نحوی است. فصل هفتم به بحث در باب این پدیده اختصاص یافته است.

1 . sentence

2 . volitionality

3 . Macfarland

4 . multiple argument realization

بازنمایی ظرفیت چندگانه و چگونگی ظهور و رفتارهای مختلف‌اش در قالب تغییرات ظرفیت در فصل ۷ به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از ویژگی‌های این بازنمایی برگرفته از معنی است؛ به این معنی که گاهی چگونگی بازنمایی ظرفیت چندگانه ناشی از چندمعنایی فعل است. این فصل به ویژه از دیدگاه زبان‌شناسی رایانشی بسیار جالب به نظر می‌رسد، آن هم با توجه به این که رابطه بین تغییرات ظرفیت و طبقات افعال در شکل‌گیری منابع واژگانی رایانشی از اهمیت بالایی برخوردار است. نویسندگان می‌گویند این مسئله را ثابت کنند که در شرایطی که دو گونه بازنمایی ظرفیت چندگانه وجود داشته باشد، آن هم وقتی هر دو به لحاظ شرایط صدق یکسان باشند، آن‌گاه انتخاب نوع بازنمایی، بر مبنای شرایط غیرمعنایی، مانند ساخت اطلاع و سنگینی ظرفیت‌های فعل رخ می‌دهد. چگونگی توزیع فعل در انواع این بازنمایی‌ها نیز از اهمیت خاص خود برخوردار است. افعالی که به لحاظ معنایی یکسان‌اند، همواره از بازنمایی مشابهی برخوردار نیستند. مطالب مطرح شده در این بخش بر مبنای دیدگاه معرفی شده از سوی گلدبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) و بورر<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در باب بازنمایی ظرفیت چندگانه به رشته تحریر درآمده است. در هر دوی این دیدگاه‌ها ریشه فعل دارای هسته‌ای معنایی است که با معانی رخداد بنیاد مرتبط با ساخت‌های نحوی یا با معانی رمزگذاری شده در ساخت نحوی ترکیب می‌شود. بخش پایانی این فصل به بحث در مورد پیش‌بینی توزیع افعال در نمونه‌های خاصی از بازنمایی ظرفیت چندگانه و تبیین نظری زیایی محدود این نمونه‌ها تخصیص یافته است.

نویسندگان کتاب *بازنمایی ظرفیت*، مطالب این نوشته را در قالب پژوهشی جامع به دست داده‌اند که با طرح پیشینه مطالعات در این زمینه همراه است. بحث در باب ظرفیت‌نمایی با طرح مشکلات مربوط به نقش‌های معنایی و بازنمایی آن‌ها آغاز شده و نتیجه‌ای که ارائه می‌شود مبنی بر این است که نمی‌توان تنها به یک سلسله مراتب برای نقش‌های تئاتی قایل شد، آن هم به گونه‌ای که تبیین‌کننده تمام پدیده‌های مربوط به بازنمایی ظرفیت باشد و دیگر این که به اعتقاد نویسندگان، در پرتو مطالعات جدید و تغییر رویکرد از تبیین‌های واژه‌بنیاد به رویکردهای مبتنی بر عوامل فراواژگانی، این پژوهش اهمیت بیشتری می‌یابد.

مطالعه این اثر به ویژه برای دانشجویان و پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی رایانشی و کسانی که به مباحث مربوط به معنی‌شناسی واژگانی و بازنمایی‌های صرفی - نحوی آن‌ها علاقمندند سودمند خواهد بود.

## منابع

- Baker, Mark. 1996. *The Polysynthesis Parameter*. Oxford University Press, New York.
- Borer, Hagit. 2003. *The grammar machine*. In Artemis Alexiadou, Elena

1 . Goldberg

2 . Borer

- 
- Anagnostopoulou, and Martin Everaert, editors, *The Unaccusativity Puzzle: Explorations of the Syntax-Lexicon Interface*. Oxford University Press, Oxford, pages 288–331.
  - Dowty, David. 1991. Thematic proto-roles and argument selection. *Language*, 67:547–619.
  - Goldberg, Adele. 1995. *Constructions: A Construction Grammar Approach to Argument Structure*. University of Chicago Press, Chicago.
  - Gruber, Jeffrey. 1965. *Studies in Lexical Relations*. Doctoral dissertation, Massachusetts Institute of Technology, Cambridge, MA.
  - Jackendoff, Ray. 1990. *Semantic Structures*. The MIT Press, Cambridge, MA.
  - Levin, Beth. 1993. *English Verb Classes and Alternations: A Preliminary Investigation*. University Of Chicago Press.
  - Macfarland, Talke. 1991. Thematic hierarchies: An overview. *Northwestern University Working Papers in Linguistics*, 3, Department of Linguistics, Northwestern University, Evanston, IL, pages 105–128.
  - Schlesinger, Izchak. 1995. *Cognitive Space and Linguistic Case*. Cambridge University Press, Cambridge.
  - Talmy, Leonard. 1976. Semantic causative types. In Masayoshi Shibatani, editor, *Syntax and Semantics 6: The Grammar of Causative Constructions*. Academic Press, pages 43–116.
  - Talmy, Leonard. 1988. Force dynamics in language and thought, *Cognitive Science*, 12:49–100.
  - Van Valin, Robert Jr. 1990. Semantic parameters on split intransitivity, *Language*, 66:221–260.